

حق تفریح و فراغت معلولین در پرتو اسناد بین‌المللی

امیر مقامی* مریم سادات امیرشاکرمی**

چکیده

تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فراغتی و فرهنگی، روشی مؤثر به‌منظور رهایی از انزوا، بروز خلاقیت و تضمین سلامتی، به مثابه حقی فرهنگی و اجتماعی در ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معلولین مورد شناسایی قرار گرفته است. مسأله پژوهش حاضر اولاً اثبات و ثانیاً تشریح ابعاد مختلف حق تفریح و فراغت معلولین در اسناد بین‌المللی است. با روش تحلیلی-توصیفی در خلال موازین حقوق بشر و با توجه به دیگر اسناد بین‌المللی، به تشریح ماده ۳۰ کنوانسیون مزبور و تعهدات ناشی از آن پرداخته و این نتیجه حاصل می‌شود که تحقق این حق برای معلولین، نیازمند ارائه تمامی امکانات، تسهیلات و اماکن تفریحی و فرهنگی در پرتو اصل عدم تبعیض، سازوکار تبعیض مثبت و رعایت مؤلفه دسترسی، با در نظر گرفتن نیازها و شرایط آنان در جامعه است. همچنین مقاله حاضر

* استادیار دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
amir.maghani@live.com
** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران
a.shakarami_2014@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶

بعضی راهکارهای لازم را جهت اجرا و تضمین این حق بر می‌شمارد.

واژه‌های کلیدی: معلول، اصل عدم تبعیض، تبعیض مثبت، حق تفریح و فراغت، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، تضمین حق.

۱. مقدمه

مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی، فراغتی و ورزشی از جمله مؤلفه‌های ضروری برای تمامی افراد جامعه به شمار می‌روند که باید در دسترس همگان قرار گرفته و از آن برخوردار گردند اما افراد معلول اغلب از حق شرکت در صفوف گسترده‌ای از فرصت‌ها محروم شده‌اند. تبعیض در زندگی فرهنگی، پدیده‌ای جهانی است که در اشکال متنوعی صورت می‌پذیرد؛ مکان‌های فرهنگی در اکثر اوقات برای افراد معلول غیرقابل دسترس بوده و حق آن‌ها بر مشارکت فرهنگی نادیده انگاشته شده است. حتی بنیادی‌ترین فعالیت‌ها که باید به آسانی برای همه افراد جامعه آزاد و رایگان باشد، برای اعضای ناتوان و معلول جامعه غیرقابل دسترس است. برای مثال، افرادی که ویلچر استفاده می‌کنند، اغلب از ورود به سینما و تئاتر به دلیل خطرات صندلی چرخ‌دار برای دیگران، محروم می‌گردند. امکانات گردشگری در سراسر جهان نیز، شامل موانع محدودکننده حرکت و یا جلوگیری کننده از دسترسی همه‌جانبه هستند؛ هتل‌ها فاقد انواع اتاق‌های قابل دسترس و علامت‌هایی برای افراد دارای اختلالات بینایی هستند؛ اتوبوس‌های توره‌ای تفریحی نیز، به ندرت قادر به جای دادن ویلچرها هستند؛ برنامه‌سازی تلویزیون و سایر فناوری‌های ارتباطی، برای افراد ناشنوا قابلیت دسترسی ندارند. (Lord, et al, 2012:158) بنابراین، معلولین به صورت گسترده با موانع متعددی در راستای تحقق حقوق خود، از جمله حق تفریح و فراغت مواجه‌اند.

جامعه بین‌المللی جهت حمایت از معلولین در سال ۲۰۰۶، کنوانسیون حقوق

افراد دارای معلولیت را که با هدف افزایش حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد معلول و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آن‌ها شکل گرفت، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به «ترحم محورانه» به رویکرد «حق‌مدارانه» در زمینه حقوق و آزادی‌های بشری معلولین به شمار می‌رود؛ (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۳۷۳) و تعدادی از معیارهای تساوی سازی جهانی را در خود گنجانده است؛ از قبیل حق دسترسی به محیط که این پتانسیل را دارد تا همه مردم و نه فقط معلولان از آن بهره ببرند. (جان‌قربان و ابوالحسنی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۱۰۱) تفریح و فراغت نیز از جمله نیازهای اساسی معلولان و فراهم‌آورنده فرصتی جهت بازپروری و ادغام آنان در جامعه تلقی می‌گردد که ماده ۳۰ کنوانسیون شرح مفصلی از حقوق رفاهی، گردشگری و تفریحی معلولان را ارائه و لزوم برخورداری از این حق را بر «مبنای مساوی با سایرین» مورد تأکید قرار داده است. چه بسا انتظار می‌رود که چنین حقی در دسته نسل پنجم حقوق بشر نیز، مورد شناسایی قرار گیرد.

در این مقاله برآنیم تا در این زمینه، به پاسخ پرسش‌های مهمی پردازیم، از جمله اینکه آیا حق تفریح و فراغت به عنوان یک حق بشری برای اقرار آسیب‌دیده‌ی جامعه، مانند معلولین در نظر گرفته شده است؟ آیا تحقق این حق مرتبط با تحقق سایر حقوق آنان در جامعه نیز است؟ تعهدات دولت‌ها برای تحقق و تضمین این حق چیست؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، پس از تعریف معلولیت و تبیین مبانی تعهدات دولت‌ها در خصوص مشارکت فرهنگی معلولین، تشریح ماده ۳۰ و پیشینه موضوع در سطح بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته و به عنوان یک مفروض، به نظر می‌رسد که حق تفریح برای معلولان در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و این حق با سایر حقوق مسلم آنان از جمله حق آموزش و حق بهداشت در ارتباط است. لذا دولت‌ها با ایفای تعهدات خود، تحقق و تضمین این حق را برای قشر معلول جامعه محقق خواهند ساخت.

! Convention on the rights of persons with disabilities.

۲. تعریف معلولیت

کم‌توانی و معلولیت^۳ از مفاهیمی هستند که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته‌اند و همواره رویکرد متفاوتی نسبت به آن‌ها حاکم بوده است. در لغت، معلولیت را آن نوع از ناتوانی جسمی یا روانی می‌دانند که مانع از مشارکت در فعالیت‌های معمول روزمره شخص می‌گردد.^۴ قواعد استانداردسازی سازمان ملل در برابری فرصت‌های معلولین، معلولیت را «شامل تعدادی از محدودیت‌های عملکردی افراد می‌داند که بر فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ای چون ارتباطات، آموزش و پرورش و ... در شرایط مساوی بتواند تأثیر بگذارد.» (Standard Rules on the Equalization of Opportunities for Persons with Disabilities, 1993, Para 17) در کنوانسیون و اعلامیه حقوق معلولان نیز، به تعریف معلول پرداخته شده است که به نوعی روشن‌کننده و هدایت‌کننده تعریف است. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۵ مبادرت به صدور قطعنامه شماره ۳۴۴۷، به نام اعلامیه حقوق معلولان^۵ نموده است که در ماده یک معلول را این‌گونه تعریف کرده است؛ «معلول عبارت است از «شخص معلول»^۶ یعنی هر شخصی که نمی‌تواند به تنهایی، تمام یا بخشی از نیازهای فرد عادی یا زندگی اجتماعی عادی را به علت نقص، اعم از مادرزادی یا غیر مادرزادی، توانایی‌های جسمی یا روانی خود را تأمین کند.» (Declaration on the Rights of Disabled Persons, 1975, Art(1)) البته این تعریف بسیار کلی است و شامل افرادی می‌شود که به هر علتی ناتوانی جسمی یا روحی دارند. بر اساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، «افراد معلول^۷ شامل کسانی می‌شوند که دارای نواقص طویل‌المدت فیزیکی، ذهنی، فکری

^۳Disability

^۴www.merriamWebster.com/dictionary/handicap

^۵Declaration on the Rights of Disabled Persons

^۶"disabled person"

^۷Persons with disabilities'

و یا حسی هستند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف گردد» (convention on rights of persons with disabilities, 2006, Art(1)) معلولیت به شرایط جسمانی جسمی و یا ذهنی اطلاق می‌گردد که فرد را از فعالیت‌های معمول روزانه باز می‌دارد یا محدودیت‌های جدی برای انجام آن فعالیت‌ها ایجاد می‌کند. (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۳۷۵) واضح است در معلولیت جسمی، این فعالیت‌ها شامل کارکردهای معمول جسمی و در معلولیت‌های ذهنی شامل کارکردهای ذهنی است.

۳. معلولیت و تبعیض

با بهره‌گیری از ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی^۴ و همچنین ماده ۱ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۵؛ به ارائه چنین تعریفی از واژه تبعیض^۶ پرداخته شده است: «تبعیض عبارت است از هرگونه تمایز، استثناء، محدودیت یا برتری قائل شدن میان افراد بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا خاستگاه اجتماعی، مالکیت، ولادت یا دیگر عوامل که هدف یا اثر آن از بین بردن، در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن حقوق مساوی و آزادی‌های اساسی همه انسان‌ها باشد». (Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 1979, Art(1)) and International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 1965, Art(1)) در حقیقت زمینه‌های اصلی و اساسی حقوق و آزادی‌های فردی را باید در برابری انسان‌ها یافت. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۶) اما از میان اقشار جامعه، معلولین به دلیل معلولیت با نابرابری زیادی مواجه

^۴International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 1965.

^۵Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 1979.

^۶Discrimination

می‌شوند؛ در حالی که از حقوق بنیادین همانند سایر افراد برخوردارند. تمام سیاست‌های حمایتی مربوط به معلولان تابع مهمی از برابری شانس‌ها است؛ بدین معنی که جامعه باید از کلیه‌ی منابعش به نحوی استفاده کند که تمامی افراد اعم از معلول و غیرمعلول شانس برابری برای مشارکت در جامعه داشته باشند. «اصل عدم تبعیض» نیز که در تمامی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به رسمیت شناخته شده است، گواه این ادعاست.

این اصل که یکی از پایه‌های اصلی نظام بین‌المللی حقوق بشر را شکل داده و رعایت کامل حقوق بشر را در سطح بین‌المللی نهادینه می‌کند، در اغلب اسناد بین‌المللی از جمله ماده‌ی ۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۱ مورد شناسایی واقع شده است. تحقق این حقوق در بعضی موارد به صرف رعایت تضمین نمی‌شود؛ (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۱۴) لذا با بهره‌گیری از سازوکار تبعیض مثبت^۲ تلاش می‌شود تا حمایت مؤثری از بعضی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه مانند معلولان به عمل آید. مقدمه کنوانسیون حقوق معلولین، با تأکید بر نیاز آنان به تضمین برخورداری بدون تبعیض از تمام حقوق و آزادی‌های اساسی، اذعان دارد که معلولان متفاوت‌اند و از این رو به حمایت و مراقبت‌های خاص نیازمندند؛ و تبعیض در مورد هر انسان بر اساس معلولیت، تزییع ارزش و کرامت ذاتی اوست. (جان‌قربان و ابوالحسنی‌زارع، ۱۳۹۰: ۹۸) از این رو، به طور صریح دولت‌ها را ملزم به

^۱. ماده‌ی ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد: هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد. به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد. خواه این کشور مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خودمختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

^۲. تبعیض مثبت، به گروهی از ساختارها، چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های قانونی و اجرایی اطلاق می‌شود که می‌توانند به طور دائم یا در دوره‌هایی خاص به کار گرفته شوند تا یک گروه اجتماعی، سیاسی، دینی، جنسیتی و ... ویژه را از موقعیتی نامطلوب نسبت به کل جامعه مربوطه خارج کند و به صورتی شتاب‌یافته، امکانات رشد و شکوفایی بیشتری به آن گروه بدهند. (فرجی، ۱۳۹۳، ۱۷۰)

انجام اقدامات مناسب برای حذف تبعیض بر افراد معلول توسط هر فرد یا سازمان می‌کند. دولت‌ها باید این اطمینان را بدهند که سازمان‌های خصوصی، امکانات و سرویس‌هایی را ارائه دهند که برای عموم فراهم شده‌اند، اما تمام قابلیت‌های دستیابی برای افراد معلول را هم در نظر گرفته‌اند. (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۱۴)

اعمال تبعیض در خصوص تفریح و فراغت معلولان به دو شکل قابل تصور است؛ تبعیض مستقیم و تبعیض غیرمستقیم که تبعیض مستقیم عبارت است از بی‌توجهی به اشخاص معلول و تحقیر آنان از طریق ارتکاب یک فعل ایجابی مانند آنکه با تصویب قوانین و مقرراتی مانع دسترسی اشخاص معلول یا هر گروه دیگری به تجهیزات، امکانات یا فرصت‌های تفریحی و فراغتی شویم. تبعیض غیرمستقیم می‌تواند به صورت یک ترک فعل تعریف نمود؛ به طور مثال، در کشور ما افراد معلول در صندلی چرخ‌دار، از حضور و تفریح در سینماها، تئاتر یا برخی جُنگ‌های مفرح و شاد در مراکز صعب‌العبور به علت عدم مناسب‌سازی محیط و عدم دسترسی محروم هستند. (فرجی، ۱۳۹۳: ۱۷۰) موانع اجتماعی و ارتباطی مانند تعصبات و افکار منفی نسبت به این قشر و متعاقب آن، عدم برقراری رابطه با دیگران و عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی و سایر موانع همچون موانع فیزیکی، قانونی و سیاسی اعم از سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌های محدودکننده نیز ممکن است آن‌ها را به سوی محرومیت هدایت کند. (Lord et al, 2012:159) به علاوه، بسیاری از دانشگاه‌ها و مدارس فاقد سیاست‌های فراگیر، جهت شرکت دانش‌آموزان معلول در فعالیت‌های ورزشی هستند و کودکان معلول اغلب با موانع بی‌شماری در راستای تحقق حقوقشان بر ورزش کردن، تفریح و بازی مواجه‌اند.

در چنین وضعیتی، مهم‌ترین عنصر برای تحقق برابری تبعیض مثبت یا اقدامات جبرانی و حمایت برابر است که مستلزم تلاش‌های فعال برای تضمین برخورداری این قشر از جامعه از حقوق برابر است. (جان‌قربان و ابوالحسنی‌زارع، ۱۳۹۰: ۹۹) البته باید توجه داشت که اصل برابری نباید مانع از حمایت‌های افزون‌تر از معلولان

شود؛ به عبارت دیگر «رفتار برابر» با معلولان موجه نیست، بلکه «رفتار به‌مثابه برابر» موجه و قابل قبول است. عدول از مفهوم ارسطویی «رفتار برابر» به مفهوم نوین و حقوق بشری «رفتار به‌مثابه برابر»، راه را برای «تبعیض مثبت» یا «تبعیض معکوس» که دستاورد نوین حقوق بشر معاصر در اقدامات افزون حمایتی از کشورهای کم‌توان‌تر جامعه است، باز می‌کند. بدین جهت است که کشورهای عضو کنوانسیون حقوق معلولین بر اساس بند ۴ ماده ۵ این سند پذیرفته‌اند که «اقدامات ویژه حمایتی که برای وصول به برابری عملی صورت می‌گیرند»، از نظرگاه این کنوانسیون نباید تبعیض ناموجه به شمار آیند. (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۳۸۴-۳۸۳)

برای مثال بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با معلولین در راستای تحقق حق تفریح و فراغت کودکان تلاش به ارائه فرصت‌هایی به کودکان معلول از طریق توسعه برنامه تربیت‌بدنی انطباقی در مدارس و یا تلاش‌های جامعه‌محور برای ساختن زمین‌های بازی قابل دسترس نموده‌اند. (Schulze, 2009: 113) اقدامات مفید دیگر نیز در این زمینه ممکن است شامل ارائه کتاب‌های سخن‌گو، مقالات یا مجلات نوشته‌شده به زبان ساده و با رنگ واضح برای افراد ناتوان ذهنی و تلویزیون و تئاتر منطبق با افراد ناشنوا باشد.

۴. مبانی تعهدات دولت‌ها بر حق تفریح و مشارکت در زندگی فرهنگی

معلولین

نظر به اهمیت تفریح و فراغت معلولین، برای سلامتی و خودشکوفایی آنان، جامعه بین‌المللی به این مقوله توجه و آن را در فهرست حقوق و آزادی‌های آنان گنجانیده و به رسمیت شناخته تا دولت‌ها را متعهد به تحقق و تضمین آن نماید. حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی، فراغتی و ورزشی در بسیاری از اسناد حقوق بشری از جمله ماده ۲۴ و ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۱ بند ۴ ماده

^۱Universal Declaration on Human Rights.

۷ و ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی^۱ منعکس شده است. در کنوانسیون‌های خاص نیز از جمله بند ج ماده ۱۳ کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان به این حق اشاره و بر حق مشارکت زنان در فعالیت‌های تفریحی، ورزش و تمامی جنبه‌های زندگی فرهنگی تأکید شده است. ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک^۲ نیز حق کودک بر بازی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی مناسب با سن و شرکت آزادانه در زندگی فرهنگی و هنرها و فنون را به رسمیت می‌شناسد. همچنین، قطعنامه شماره ۴۹/۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل به نام اصول ملل متحد برای سالمندی^۳ مصوب سال ۱۹۹۱، در اصل ۱۶ بر لزوم دسترسی سالمندان به منابع تفریحی، فرهنگی و آموزشی تأکید دارد.

سایر اسناد و اعلامیه‌های مرتبط با معلولان نظیر «قواعد استاندارد برابری برای فرصت‌ها»^۴ مصوب قطعنامه ۴۸/۹۶ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی در ماده ۱۱، تفریح و فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی را پیش‌شرط مشارکت و ادغام معلولین در جامعه قلمداد می‌کند. «اعلامیه حقوق معلولان» مصوب قطعنامه ۳۷/۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۷۵)، در ماده ۹ بر لزوم دسترسی معلولان به خدمات تفریحی، فرهنگی و خلاقانه تأکید دارد. «برنامه اقدام جهانی برای معلولان»^۵ مصوب قطعنامه ۳۷/۵۲ سال ۱۹۸۲ نیز به اقدامات مؤثر دولت‌ها در جهت مشارکت تفریحی معلولان در جامعه و برابری آن‌ها با سایر افراد اشاره نموده است.

دسترسی معلولان به فرهنگ و فعالیت‌های فراغتی یک مسئولیت مبتنی بر دموکراسی است؛ اما در بسیاری از کشورها، یک تعهد نیز محسوب می‌شود. از این رو، سال ۲۰۰۳ به عنوان سال اروپایی معلولان انتخاب شد و شورای اروپا

^۱International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

^۲Convention on the Rights of the Child.

^۳United Nations Principles for Older Persons

^۴Standard Rules on the Equalization of Opportunities for Persons with Disabilities.

^۵World Programme of Action Concerning Disabled Persons.

قطعنامه‌ای برای دسترسی ساختارهای فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی برای معلولان را تصویب کرد. قطعنامه توصیه‌هایی را برای کشورهای عضو، جهت ارتقاء و پیشرفت دسترسی به فرهنگ ارائه کرده است. کمیته‌ی وزیران نیز یک توصیه‌نامه به شماره ۹۲(۶) را به عنوان یک سیاست پیوسته برای معلولان در ۹ آوریل ۱۹۹۲ تصویب کرد که دربردارنده‌ی دسترسی معلولان به فرهنگ، فراغت و خدمات فرهنگی است. (Laaksonen, 2010: 86) همچنین در ماده ۱۵ «منشور اجتماعی اروپا»^۱ سال ۱۹۹۶ (نسخه اصلاح‌شده)، به حق معلولان برای استقلال، ادغام و مشارکت در زندگی جامعه اشاره نموده و دولت‌ها را متعهد به ادغام و شرکت معلولان در زندگی جامعه از طریق تمهیداتی همچون رفع موانع در ارتباطات، دسترسی به وسایل حمل‌ونقل و فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی ساخته است. (European Social Charter (Revised), 1996, Art 15(3))

با توجه به مطالب فوق و درحالی‌که این حق در اسناد حقوق بشری مختلف منعکس شده، اما به اندازه دیگر حقوق بشری، توسعه‌نیافته و اغلب فراموش شده است. با این حال حق افراد معلول بر شرکت در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی، ورزشی و فراغت به عنوان هسته‌ی مرکزی شمولیت کامل افراد معلول شناخته شده و لذا در جزئیات ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معلولان تعریف و به توسعه قابل توجهی در نظام بین‌المللی حقوق بشر راجع به شرکت در فرهنگ، ورزش، تفریح و فعالیت‌های مرتبط با آن منجر شده است.

۵. ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معلولین

ماده ۳۰ کنوانسیون، تعدادی از اقدامات خاص طراحی شده به منظور افزایش مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی و همچنین زندگی فرهنگی را مورد تأکید قرار داده است. کنوانسیون، افراد معلول را به عنوان مشارکت‌کننده کامل در زندگی

¹European Social Charter.

اجتماعی و فرهنگی جوامع خود، در قالب ورزشکاران حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، تماشاگران، گردشگران، هنرمندان، موسیقی‌دانان، دانشمندان و بازیگران و مخاطبان به رسمیت می‌شناسد. لذا استاد «آن هوبارد»^۱ بیان می‌دارد که حوزه‌ی ورزش، تفریح و بازی، برای تحقق کامل حقوق بشر ضروری است. (Lord and Ashley Stein, 2009: 264)

ماده ۳۰ موارد مختلفی در خود گنجانده است؛ از جمله، اتخاذ اقداماتی در راستای حمایت از دسترسی به مکان‌هایی مانند اجراهای فرهنگی یا خدماتی از جمله تئاتر، موزه، سینما، کتابخانه و خدمات گردشگری و نیز دسترسی به مکان‌های قدیمی و دور از امکان و محل‌های فرهنگی محلی مهم؛ حق رشد و برخورداری از پتانسیل خلاقانه، هنرمندانه و ذهنی معلولان در جهت مزایای فردی و اجتماعی که بیانگر مشارکت کامل افراد معلول در زندگی فرهنگی جوامع خویش به عنوان هنرمند، موسیقی‌دان، دانشمند و بازیگر است؛ حق شناسایی برابر و حمایت از هویت فرهنگی و زبانی معلولان که شامل حق استفاده از زبان اشاره و شناسایی از فرهنگ ناشنوایی است؛ (لذا کنوانسیون، استفاده از زبان اشاره را به عنوان زبان ابتدایی برای افراد ناشنوا به رسمیت شناخته است). ترویج فراگیری و شمولیت افراد معلول در فعالیت‌های ورزشی رایج^۲ (که این مورد به نوعی، نگرش فراگیر نسبت به برنامه‌ریزی برای داشتن دسترسی برابر به ورزش و تجهیزات تفریحی افراد معلول را مرجح می‌داند؛ مانند دستیابی به دستمزد مساوی، زمین بازی سازگار و فرصت‌هایی برای شرکت در ورزش‌ها و تفریح‌های خاص معلولین، از جمله بسکتبال با ویلچر و برنامه‌ی رایج ورزشی)؛ حق شناسایی، توسعه و شرکت در ورزش و تفریح معلولین با سایر افراد معلول، (از جمله فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ی مخصوص افراد معلول که هر دوی برنامه‌های رایج و ورزش‌های خاص معلولین را

^۱An Howard

^۲mainstream sport activities

دربر می‌گیرد؛ اتخاذ اقداماتی به‌منظور تضمین شمولیت معلولین به عنوان دریافت‌کننده‌ی خدمات و برنامه‌های سازمان‌های تنظیم‌کننده‌ی فعالیت‌های ورزشی، تفریحی، گردشگری و فراغتی؛ حق دسترسی معلولان به استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی و گردشگری (که شامل عرصه‌های ورزشی، استخرهای عمومی، موزه‌ها، سینماها، هتل‌ها و سایر امکانات و تجهیزات می‌شود)؛ حق بازی و شرکت در تفریح، فراغت و فعالیت‌های ورزشی کودکان معلول در مدرسه که شامل دسترسی به زمین‌های بازی و تربیت‌بدنی سازگار در مدارس و جامعه می‌گردد... (Lord et al, 2012: 161) این ماده با گنجانیدن عبارت «بر مبنای تساوی با سایرین»، بر لزوم مشارکت معلولین در فعالیت‌های مزبور، بدون هیچ نوع تبعیض و به‌گونه‌ای مساوی و برابر با سایر افراد سالم جامعه تأکید و تصریح می‌کند. آنچه مسلم است، ماده ۳۰ که شرح مفصلی از حقوق تفریحی، فرهنگی معلولین را شکل می‌دهد، شامل چند حوزه‌ی متنوع از جمله، تفریح، فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های ورزشی و گردشگری می‌شود؛ که هر کدام در تحقق حق تفریح و فراغت آنان بسیار حائز اهمیت و تأثیرگذارند.

۵.۱. تفریح

افراد دارای معلولیت از حق داشتن زمانی برای تفریح^۱ چه خارج از خانه و چه داخل آن و چه به صورت گروهی و چه به صورت انفرادی و دسترسی به منابع تفریحی جامعه را دارا هستند. بند ۵ ماده‌ی ۳۰ کنوانسیون به مسئله‌ی تفریح توجه ویژه داشته است. تمامی فعالیت‌های فراغتی و تفریحی باید در دسترس معلولان باشند. به علاوه فعالیت‌های ویژه‌ای باید برای آن‌ها ارائه گردد و مشارکت فعال معلولان در تمامی فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی نیز باید ترویج داده شود. (Laaksone, 2010: 87) «برنامه‌ی جهانی اقدام برای معلولین» که مهم‌ترین نتیجه

¹Recreation

سال بین‌المللی معلولان ۱۹۸۱ و مصوب قطعنامه‌ی ۳۷/۵۲ در ۳ دسامبر ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل است، بر اقدامات مؤثری در جهت مشارکت تفریحی معلولان در جامعه و برابری آن‌ها با سایر افراد اشاره و تأکید می‌ورزد که کشورهای عضو باید برخورداری از فرصت‌های معلولین را در فعالیت‌های تفریحی به‌گونه‌ای مساوی تضمین نمایند. این فرصت‌ها شامل امکان استفاده از رستوران‌ها، سینما، تئاتر، سواحل دریایی، هتل‌ها و سایر اماکن ورزشی هستند. همچنین کشورهای عضو باید کلیه اقدامات و تلاش خود را برای حذف تمامی موانع اجرای این برنامه‌ها نیز، به کار گیرند. (world programme of action concerning disabled person, 1982, para 134)

قواعد استاندارد برابرسازی فرصت‌ها مصوب قطعنامه ۴۸/۹۶ مجمع عمومی نیز، متضمن حق تفریح معلولین است. (Standard Rules on the Equalization of Opportunities for Persons with Disabilities, 1993, Paras 10 and 15) این سند شامل مقرراتی در جهت تضمین این امر است که دختران، پسران، زنان و مردان معلول، به عنوان اعضای جوامع خود بتوانند حقوق و تعهداتی برابر با سایرین داشته باشند. در تمامی جوامع، هنوز عواملی مانع اعمال حقوق و آزادی‌های معلولان می‌گردد و مشارکت کامل آنان را در فعالیت‌های جوامع خود دشوار می‌سازد. لذا، انجام اقدامات مناسب برای حذف چنین موانعی از مسئولیت‌های دولت‌هاست. برابرسازی فرصت‌ها برای معلولان کمکی ضروری در تلاش عمومی و جهانی برای بسیج منابع انسانی به شمار می‌رود... (Ibid, para 15)

ماده ۱۱ این سند به مقوله تفریح به عنوان یکی از اصول پیش شرط مشارکت برابر در جامعه اشاره کرده و بیان می‌دارد که دولت‌ها باید تدابیری برای ساختن اماکنی برای تفریح اتخاذ نمایند که قابل دسترسی و استفاده معلولین باشد. (Ibid, rule(11) چنین تدابیری می‌تواند شامل حمایت از معلولین در برنامه‌های تفریحی و ورزشی، از جمله طرح‌هایی برای ایجاد روش‌های دسترسی و مشارکت، برنامه‌های

ارائه اطلاعات و آموزش باشد. به علاوه، مسئولان گردشگری، آژانس‌های مسافرتی، هتل‌ها، سازمان‌های داوطلب و سازمان‌های دیگری که در ترتیب دادن فعالیت‌های تفریحی یا فرصت‌های مسافرتی شرکت دارند باید خدمات خود را به همه ارائه داده و نیازهای ویژه معلولان را در نظر بگیرند.

«اعلامیه حقوق معلولان» مصوب قطعنامه ۳۷/۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل نیز، از کشورها خواسته است تا اقدامات ملی و بین‌المللی خود را به منظور تثبیت این اعلامیه به عنوان چهارچوب مشترکی برای حمایت از حقوق معلولان به کارگیرند. چنانچه از مقدمه اعلامیه بر می‌آید، هدف از این اعلامیه ضرورت پیشگیری از ناتوانی‌های جسمی و روانی و کمک به افراد معلول برای ایجاد توانایی‌ها در متنوع‌ترین زمینه‌های فعالیت و حداکثر کمک ممکن به آنان برای برخورداری از زندگی عادی است. (توسلی‌نائینی و کاویار، ۱۳۸۷، ۶۴) در قسمت ابتدایی ماده ۹ اعلامیه، بر حق معلولان به زندگی و مشارکت در کلیه فعالیت‌های اجتماعی، خلاقانه یا تفریحی با خانواده‌ها یا والدین رضاعی خود تأکید و حق تفریح معلولان را به رسمیت می‌شناسد. (Declaration on the Rights of Disabled Persons, 1975, Art(9))

بنابراین، موانع ساختاری فنی، فیزیکی و نگرشی که محدودکننده برخورداری از فعالیت‌های تفریحی هستند، باید حذف گردند و ویژگی‌های خاص انواع معلولیت‌ها نیز در طراحی محیطی مورد توجه قرار گیرند. (Laaksonen, 2010: 88) زیرا حق تفریح و فراغت معلولان همان‌طور که در اسناد فوق‌الذکر مورد اشاره قرار گرفته، نیازمند رفع موانع و توجه دولت‌ها در ارائه فرصت‌های لازم و برابر است.

۵.۲. مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی

ماده ۳۰ کنوانسیون راجع به شناسایی حق افراد معلول در راستای مشارکت

برابر با سایرین در فعالیت‌های فرهنگی توسط کشورهای عضو است که باید تمامی اقدامات مقتضی را در جهت اطمینان از برخورداری آن‌ها از تمامی امکانات فرهنگی، برنامه‌های تلویزیونی، تئاتر، سینما و؛ و دسترسی به اماکن خاص اجراهای فرهنگی اتخاذ کنند. طبق ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس دارای حق شرکت در زندگی فرهنگی است» (Universal Declaration on Human Rights, Art(27), 1948). همچنین طبق ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی «تمامی افراد دارای حق مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه خود بدون رویارویی با آزار و اذیت و مشکلی هستند. (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966, Art(15)) لذا، افراد معلول نباید از اجرا و اعمال فرهنگ خود و از شرکت در زندگی فرهنگی جامع خویش محروم شوند.

گزارشگر پیشین مخصوص معلولین کمیسیون سازمان ملل برای توسعه اجتماعی، در سال ۲۰۰۴ بیان داشت که تمرکز ویژه بر زنان معلول و بسیاری از کودکان معلول متولد شده، برای برخورداری از حیات فرهنگی آن‌ها ضروری است و فقدان اطلاعات و آگاهی، موجب ایجاد فاصله‌ی زیاد میان معلولان و عموم مردم گشته است. لذا بر لزوم دسترسی معلولان بر خدمات فرهنگی و اطلاعات راجع به آن‌ها تأکید نمود. (Laaksonen, 2010: 86) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیز، بر تعهد مبتنی بر رعایت اصل عدم اعمال تبعیض و مساوات نسبت به معلولین از حیث برخورداری از حقوق فرهنگی تمرکز نموده است. مهم‌ترین مسئله در اینجا، دسترسی به اماکن فرهنگی هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ فیزیکی است. کمیته در نظر عمومی شماره ۵ خود پیرامون معلولین، صریحاً اذعان داشت که از دولت‌ها انتظار دارد که اقداماتی برای اعمال تبعیض مثبت اتخاذ نمایند، از جمله دسترسی به اماکن فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی و گردشگری. (استاماتوپولو، ۱۳۹۲، ۲۹۸) ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی رفع همه‌ی اشکال تبعیض نژادی، ضمن

اشاره به تعهدات بنیادین کشورها بر منع و رفع هرگونه اشکال تبعیض آمیز، آن‌ها را متعهد به حق برابر همگان در برخورداری از حقوقی همچون، حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و حق دسترسی به اماکن عمومی از قبیل هتل‌ها، رستوران‌ها، سینما، تئاترها و پارک‌ها می‌سازد (International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, 1965, (Art (2)) Elimination of All حق شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، حق معلولان و اعمال تبعیض در این زمینه، مانع پیشرفت آنان در زمینه‌های مختلف به شمار می‌رود.

برنامه اقدام جهانی برای معلولان مصوب قطعنامه ۳۷/۵۲، متضمن ترویج اقدامات مؤثر برای جلوگیری از ناتوانی و معلولیت، تحقق اهداف «مشارکت کامل» معلولان در زندگی اجتماعی و توسعه‌ی برابری است. در این برنامه به اجرای اقدامات کارآمد در زمینه فرهنگ اشاره و تأکید شده کشورهای عضو باید داشتن فرصت استفاده از پتانسیل خلاقانه، هنری و ذهنی را به طور کامل، برای معلولان، نه تنها برای بهره‌مندی و منافع آن‌ها، بلکه در جهت غنی‌سازی جامعه تضمین کنند. بدین منظور، باید دسترسی به فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی تضمین و در صورت لزوم ترتیبات خاصی برای تنظیم نیازهای معلولان ذهنی ارائه گردد. (World programme of action of disabled persons, 1982, para 135) افراد معلول حق دسترسی به مکان‌های فرهنگی و هنری و داشتن فرصتی برای شکوفایی خلاقیت و نوآوری خویش، همانند سایر افراد جامعه دارند.

۵.۳. گردشگری

گردشگری در ماده‌ی ۳۰ به دلیل اینکه اغلب به عنوان زیرمجموعه‌ی تفریح و فراغت محسوب می‌شود، ذکر شده است. (Roy, 2007: 43) امروزه گردشگری در شهر یا بیرون از آن و در داخل یا خارج از کشور، با توجه به افزایش درآمد بیشتر مردم در جوامع مختلف و نیز توسعه وسایل نقلیه و آسان‌تر شدن مسافرت، به یکی

از متداول‌ترین گونه‌های گذراندن اوقات فراغت و تفریح تبدیل شده است. (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۹، ۷۶) طبق اصل فراگیری و شمولیت، در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های گردشگری باید حقوق بشر معلولان، در نظر گرفته شود. سازمان‌های حامی معلولین نیز باید در چنین فرآیندهایی شرکت کرده و ملزم به تعامل و مشارکت در طرح حمایت از گردشگری در دسترس هستند. (Lord et al, 2012:166) کنوانسیون حقوق معلولین تنها معاهده‌ی حقوق بشری است که صراحتاً به مفهوم گردشگری اشاره کرده است و دولت‌ها را ملزم به تضمین دسترسی معلولان به گردشگری و خدمات توریستی می‌کند.

موانع متعددی جهت دسترسی به گردشگری فراگیر معلولان به عنوان یک فعالیت تفریحی وجود دارد؛ از جمله موانع موجود برای گردشگران معلولان، می‌توان به وسایل حمل‌ونقل هوایی غیرقابل دسترس و عدم وجود کارمندان هواپیمایی آموزش‌دیده با بیماران، فقدان وسایل حمل‌ونقل عمومی در دسترس، اتاق‌های غیرقابل دسترس هتل، عدم وجود کارکنان و متخصصین آموزش‌دیده، فقدان اطلاعات راجع به جذابیت‌های گردشگری خاص (موزه، نمایشگاه‌ها)، سرویس‌های بهداشتی نامناسب معلولان در مکان‌های عمومی، رستوران‌های و جذابیت‌های توریستی غیرقابل دسترس، خیابان‌های غیرقابل دسترس (معاثر جدول، خطوط ویلچر، کمبود تجهیزات و امکانات مناسب معلولان از جمله ویلچر، اسکوتر برقی) و... اشاره کرد. (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۹: ۷۹-۸۲) این موانع باید در خلال برنامه‌ریزی فراگیر و همه‌جانبه، حذف و به فرصتی برای مشارکت تبدیل گردند.

۵.۴. فعالیت‌های ورزشی

رشته‌های ورزشی، بیشترین فعالیت فراغتی مردم در کشورهای مختلف را به خود اختصاص داده‌اند. (کاشف، ۱۳۹۰، ۵۳) تمامی افراد بشری از جمله معلولان، محق فرصتی برای ورزش و دسترسی به فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت خود

هستند؛ و همه کشورها موظف‌اند تدابیری در پیش گیرند تا معلولان بخت یکسانی برای فعالیت‌های ورزشی داشته باشند. (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۹، ۱۴۲) اصولاً ورزش معلولین به ورزش‌های سازمان‌یافته ویژه افراد معلول جهت ارائه‌ی دسته‌بندی منصفانه و عادلانه بر مبنای معلولیت و توانایی در زمین‌های بازی اشاره دارد.

کنوانسیون حقوق معلولین، از حق معلولان مبنی بر مشارکت در هر دوی برنامه‌های رایج ورزشی و ورزش‌های خاص معلولین حمایت می‌کند. (Lord et al, 2012: 16) ورزش و شرکت در فعالیت‌های ورزشی همواره در بند ۵ ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معلولین و سایر اسناد مرتبط با معلولان به رسمیت شناخته شده است. ماده‌ی ۷ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به طور خاص اظهار می‌دارد که کشورهای عضو میثاق حاضر، حق هر فرد را بر برخورداری از استراحت، فراغت و تفریح، به رسمیت می‌شناسند. سایر مواد میثاق نیز، حقوقی را که اساساً متضمن حق بازی، تفریح، ورزش و فراغت افراد است را به رسمیت می‌شناسند. برای مثال، ماده ۱۵ میثاق، بر حق هر فرد در مشارکت در زندگی فرهنگی تأکید می‌ورزد. ماده ۱۲ و ماده ۱۳ نیز به ترتیب حق بر بالاترین استاندارد سلامت روحی و جسمی و حق آموزش را مورد شناسایی قرار می‌دهند؛ که همگی به سوی توسعه‌ی کامل شخصیت انسانی و کرامت فرد هدایت و حرکت می‌کنند. از این رو، می‌توان بیان داشت که ورزش برای این توسعه حیاتی به نظر می‌رسد. همچنین، ماده ۱ میثاق نیز اظهار می‌دارد که تمامی افراد دارای حق خودمختاری و تعیین سرنوشت هستند؛ با توجه به این حق، آن‌ها حق دارند که آزادانه توسعه و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را دنبال کنند. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۳۱ حق بازی و ورزش کودکان را به رسمیت می‌شناسد؛ که دسترسی کودکان معلول به ورزش نیز، در قسمت ۴ بند ۵ ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معلولان مورد تأکید قرار گرفته است. (Roy, 2007, paras 26 to 28)

بنابراین مقدمه بند ۵ ماده ۳۰ ورزش را برای معلولان نیز، به عنوان یک حق منعکس

می‌کند. بدین جهت تدوین‌کنندگان پیش‌نویس کنوانسیون حقوق معلولین، اقدام به تغییری در مقدمه این ماده نمودند، مبنی بر اینکه کشورهای عضو، حق معلولان را «بر مبنای مساوی با سایرین» (این تأکید اضافه شد) با نگاهی به توانمندسازی آنان برای شرکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و ... به رسمیت می‌شناسند؛ و تضمین دسترسی معلولین به ورزش و فعالیت‌های ورزشی را مورد تأکید قرار می‌دهند که می‌تواند زمینه‌ساز فعالیت‌های فراغتی آنان گردد.

در قسمت اول بند ۵ ماده ۳۰، افعال ویژه ترویج و ترغیب به کار رفته است. نمونه‌های زیادی از عدم توانایی ورزشکاران دارای معلولیت خاص به ادغام با ورزشکارانی که معلولیت مشابه ندارند، چه به دلایل امنیتی و چه به دلیل تغییر عمده‌ی بازی، وجود دارد. این نکته نشان می‌دهد که واژه «کامل‌ترین حد ممکن» در قسمت اول بند ۵ به معنای تشویق و ترغیب کشورهای عضو در جهت اتخاذ اقدامات مثبت، به منظور توانمندسازی معلولان برای شرکت در ورزش‌های رایج است که در غیر این صورت منجر به تغییر اساسی ورزش و یا خطرات ایمنی می‌گردد. این اقدامات شامل مناسب‌سازی مانند ارائه‌ی مترجم برای ناشنوایان جهت توانمندسازی آنها، مجاز بودن استفاده از گاری چرخ‌دار جهت حمل وسایل بازیکنان بازی گلف، (علی‌رغم قاعده راه رفتن تمامی گلف‌بازها) برای بازیکنی که قادر به راه رفتن در مسافت‌های طولانی نیست؛ اتخاذ اقداماتی برای حذف کلیشه‌ها و مقررات قالب توسط مربیان یا سایرین، مثل صاحبان باشگاه می‌شود. (Roy, 2007, paras 36 to 37) استفاده از کلمه‌ی «ترویج»، مراحل اتخاذ شده جهت ارتقای اقدامات را مشخص می‌کند. لذا، کشورها باید فعالانه مشوق مشارکت معلولان در حوزه‌های رایج ورزشی باشند. کشورها باید اطلاعات لازم را در سیاست‌های خود جای دهند و منعکس‌کننده‌ی این نکته باشند که از تمامی

^۱ الف) کشورهای عضو باید مشارکت افراد دارای معلولیت را تا سرحد امکان در تمامی سطوح فعالیت‌های رایج ورزشی ترغیب و ترویج دهند.

شرکت‌کنندگان در ورزش استقبال شده و به دلیل ناتوانی مورد تبعیض قرار نمی‌گیرند. (Gove, 2002) قسمت دوم بند ۵ ورزش مخصوص معلولان را مخاطب قرار داده است. طبق این بند دولت‌ها مسئول تضمین توانمندسازی معلولین در جهت سازماندهی، توسعه و مشارکت در فعالیت‌های مخصوص آنان هستند؛ زیرا ورزش یکی از عرصه‌هایی است که آن‌ها در آن قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی بوده و فرصتی برای اجتماعی شدن و یادگیری از سایر ورزشکاران و آموختن تجارب زندگی قلمداد می‌شود. عبارت «بر مبنای برابر با سایرین»، در راستای انعکاس این واقعیت غیرقابل انکار است که در حوزه ورزش و به طور کلی معلولیت، گاهی رفتار متفاوت برای تضمین سطحی از برابری نیاز است؛ بنابراین، علاوه بر امکانات فیزیکی، دستورالعمل‌ها، آموزش و منابع مکتوب مناسب معلولان و دسترسی به مربیان آموزش‌دیده در رابطه با نحوه انجام ورزش و دستیابی به منابع کمیاب در مسابقه ضروری است. طی تدوین پیش‌نویس، نویسندگان اصطلاح «مناسب» را به منظور نیازمندی معلولین به منابع مختلف، مربیان و آموزش‌هایی در جهت دسترسی به برابری جایگزین کردند. متأسفانه اغلب معلولان از داشتن مربیان آموزش‌دیده محروم شده‌اند. لذا این بند به عنوان فراخوانی در جهت ایجاد برنامه‌های آموزشی برای مربیان به کار می‌رود؛ و به تخصیص منابع لازم مانند ویلچر و یا توپ فوتبال در سایز مناسب نیز اشاره می‌کند. (Roy, 2007, paras 39 to 41) قسمت سوم^۳ بند ۵ بر تضمین دسترسی معلولان به ورزش، تفریح و مکان‌های گردشگری تمرکز می‌کند. این دسترسی باید به معنای دسترسی برابر و هم‌تراز تفسیر شود. بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون کشورهای عضو را به ارائه «دسترسی بر مبنای برابر با سایرین» به محیط‌های فیزیکی، ملزم می‌کند. اگرچه دسترسی در

^۲ (ب) کشورها تضمین نمایند که افراد دارای معلولیت، از فرصت ساماندهی، توسعه و مشارکت در ورزش‌ها و فعالیت‌های تفریحی ویژه معلولیت برخوردارند و بدین منظور، بر مبنای برابر با سایرین، تدارک چارچوب، آموزش و منابع مناسب را ترغیب می‌نمایند:

^۳ (پ) کشورها تضمین دهند که افراد دارای معلولیت از دسترسی به اماکن ورزشی، تفریحی و گردشگری برخوردارند:

قسمت سوم بند ۵ توصیف نشده، اما باید مطابق با معنای دسترسی هم‌تراز و برابر موجود در ماده ۹ کنوانسیون تفسیر شود. (Roy, 2007, para 42) قسمت چهارم^۴ بند ۵ راجع به ورزش کودکان معلول و تضمین دسترسی برابر آن‌ها در مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، از جمله فعالیت‌های موجود در سیستم مدارس است. ورزش مهارت‌های حیاتی اجتماعی اولیه‌ی کودکان را توسعه می‌دهد؛ و موجب تضمین موفقیت آن‌ها و مشارکت مؤثرشان در جامعه خواهد شد. در نهایت قسمت پنجم^۵ بند ۵ تضمین می‌دهد که افراد معلول باید به خدماتی که مرتبط با سازماندهی فعالیت‌های فیزیکی‌اند، دسترسی داشته باشند. برای مثال اگر یک باشگاه، خدمات و سرویس‌های پیامکی ارائه دهد، افراد دارای معلولیت نیز، باید قادر به دسترسی به این خدمات باشند. در نتیجه کشورهای عضو را به تضمین عدم تبعیض معلولین در دسترسی به این خدمات فرامی‌خواند.

سایر اسناد و نهادهای بین‌المللی نیز، مشارکت معلولان را در ورزش و فعالیت‌های ورزشی تفریحی ترویج می‌دهند. پارالمپیک نمونه‌ای از ورزش معلولین در بالاترین سطح رقابت ورزشی قلمداد می‌شود. در «بیانیه‌ی حقوق بشر»^۶ که کمیته‌ی بین‌المللی پارالمپیک در سال ۲۰۰۸ منتشر کرده است، بیان می‌دارد: «تصور پارالمپیک از کمیته‌ی بین‌المللی پارالمپیک توانمند ساختن ورزشکاران پارالمپیک برای رسیدن به تعالی ورزشی، الهام بخشیدن و تحریک جهانی است.» کمیته بر این باور است که تمامی افراد باید از دسترسی به فرصت‌های فراغتی، تفریحی و ورزشی برابر برخوردار گردند و چنین حقوقی از طریق نظام‌های اجرایی و قانونی دولت‌ها و جوامع مسئول، اعطاء و حمایت خواهد شد. کمیته به پتانسیل نامحدود

^۴ (ت) کشورها تضمین دهند که کودکان دارای معلولیت برابر با سایر کودکان در مشارکت در بازی، تفریح و فعالیت‌های ورزشی و فراغتی که شامل فعالیت‌های درون نظام مدارس نیز می‌شود، دسترسی دارند.

^۵ (ث) کشورها تضمین دهند که افراد دارای معلولیت از دسترسی به خدمات آن‌هایی که در سازماندهی فعالیت‌های ورزشی، فراغتی، گردشگری و تفریحی درگیر هستند، برخوردار هستند؛

^۶Position Statement on Human Rights.

افراد دارای اختلال و دستاوردهای ورزشی آنها معتقد و بر لزوم توسعه‌ی ورزشی، مشارکت، آموزش و تصدیق پیشرفت این افراد در مدارس، باشگاه‌ها و مکان‌های ورزشی، سازمان‌ها و انجمن‌های ورزشی تأکید ورزیده است. اصول حاکم بر کمیته، دسترسی و مشارکت برابر معلولان را در ورزش و فعالیت‌های ورزشی تفریحی تسهیل و ترویج می‌نماید. (International Paralympic Committee, 2008, para 1-2)

کمیته بین‌المللی ورزش سازمان‌یافته ناشنوایان و المپیک‌های مخصوص نیز، جنبشی جهانی در راستای ارائه ورزش رقابتی و فرصت‌های تفریحی برای معلولان ذهنی است. نمونه‌های زیادی از فرصت‌های ورزشی جامعه‌محور وجود دارد که اغلب توسط سازمان‌های حامی معلولین، در جهت ترویج مشارکت آنها در ورزش یا ترویج برنامه‌های مخصوص معلولان تنظیم شده‌اند. گزارش گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل راجع به معلولیت و ناتوانی^۷ بر این نکته تأکید نموده است که ورزشکاران در بسیاری از کشورهای جهان، منبع گران‌بهای غرور ملی هستند و فرصت‌های معلولان در جهت شرکت در ورزش در سطح جامعه روبه افزایش است. (Lord et al, 2012: 164) «منشور بین‌المللی یونسکو راجع به تربیت بدنی و ورزش» (UNESCO International Charter on Physical Education and Sport) نیز، بیان می‌دارد که یکی از شرایط اساسی برای اعمال مؤثر حقوق بشر آن است که هر کس باید برای رشد و حفظ قدرت فکری، فیزیکی (جسمانی) و اخلاقی خویش آزاد باشد و دسترسی به تربیت بدنی و ورزش، از سوی دولت‌ها تعهد و تضمین گردد. (Roy, 2007: 29) به‌علاوه، «برنامه جهانی اقدام مرتبط با افراد معلول» سال ۱۹۸۲ بر الزام دولت‌ها مبنی بر تشویق و ترویج فعالیت‌های ورزشی خاص معلولین به‌وسیله ارائه تجهیزات و سازمان‌ها تأکید می‌کند. (world programme of action Concerning Disabled Person, 1982, para 137)

^۷UN Special Rapporteur on Disabilities, Global Survey on Government Action on the Implementation of the Standard Rules (Doha: 2006).

استاندارد برابرسازی فرصت‌های افراد معلول سال ۱۹۹۳ نیز، دستورالعمل و راهنمای جزئی در جهت ایجاد ورزش و تفریح قابل دسترس برای این افراد را فراهم نموده است. بر اساس قاعده یازدهم، دولت‌ها باید تدابیری را برای تضمین فرصت‌های برابر برای ورزش معلولان به عمل آورند. اتخاذ تدابیری جهت ساخت اماکن ورزشی مناسب و قابل دسترس و ارائه‌ی اطلاعات ضروری در این زمینه‌ها به معلولین و برگزاری مسابقات ورزشی ملی و بین‌المللی، از جمله اقدامات در تحقق این اصل محسوب شده‌اند. (Standard Rules on the Equalization of Opportunities for Persons with Disabilities, 1993, Rule(11))

دسترسی به دستورالعمل‌ها و آموزش کیفی برابر با سایر شرکت‌کننده‌ها در فعالیت‌های ورزشی و از همه مهم‌تر بر اهمیت مشورت با سازمان‌های مرتبط با معلولین در جهت رشد و توسعه‌ی خدماتشان تأکید می‌ورزد. البته باید به این نکته توجه داشت که تمامی این فعالیت‌ها باید با هدف برابری و فراگیری تمامی افراد جامعه صورت بپذیرد.

نمونه‌ای از موانع معلولان در ورزش را می‌توان قضیه‌ی «کسی مارتین» دانست. در سال ۲۰۰۱، دیوان عالی ایالات متحده حکمی را در مورد دعوی تور گردشگری پی. جی. ای^۸ علیه وی که یک گلف باز حرفه‌ای معلول و خواستار وسیله‌ای گاری شکل، مخصوص گلف در مسابقات انجمن گلف بازان حرفه‌ای^۹ شده بود را صادر کرد. دیوان عالی حکم داد که تورنمنت پی. جی. ای. مکانی برای انطباق‌سازی عمومی تحت قانون معلولان آمریکایی است. مطابق آن، پی. جی. ای. به عنوان اجرا کننده بازی گلف، نباید علیه هر بازیکن در بهره‌مندی کامل و برابر از کالاها، خدمات، امکانات و مزایا و اماکن این دوره‌ها تبعیض قائل شود. دیوان تأیید کرد که ارائه یک چرخ‌گاری اساساً نمی‌تواند جایگزین ماهیت این رخداد

^۸P.G.A

^۹D.G.A

شود؛ زیرا ماهیت بنیادین گلف، ضربه زدن به توپ است (P.G.A. Tour, Inc. v. Martin, 532 U.S. 661, 121 S. Ct. 1879 (2001)).
 ۶. مؤلفه دسترسی^۱

عدم دسترسی فیزیکی به وسایل حمل و نقل عمومی و دیگر امکانات از جمله ساختمان‌های دولتی، مراکز خرید و امکانات تفریحی نسبت به سایرین، عامل اصلی گوشه‌نشینی و محرومیت کودکان معلول و به خطر افتادن دسترسی آن‌ها به خدمات از جمله بهداشت و آموزش است. این موارد در کشورهای توسعه‌یافته تقریباً و تا حدی محقق شده اما در کشورهای در حال توسعه بی‌مخاطب مانده است. (Kanter, 2015:105) بنابراین کلیه کشورهای عضو در جهت تنظیم سیاست‌ها و روش‌های مناسب، ایجادکننده‌ی وسایل حمل و نقل ایمن‌تر و باقابلیت دسترسی آزاد و رایگان در هر زمان و مکان، تأمین منابع مالی والدین یا دیگر مراقبین کودکان معلول تصمیماتی را اتخاذ کرده‌اند.

۶.۱. اهمیت دسترسی برای معلولان

یکی از اصول کلی مندرج در ماده ۳ کنوانسیون معلولان، «دسترسی» است که در ماده ۹ به تفصیل بیان شده است. دسترسی مقدمه مباحث راجع به حقوق معلولان است و لازمه مشارکت فعال معلولان در تمامی جنبه زندگی و تحقق سایر حقوق آنان محسوب می‌گردد. هیچ‌کس قادر به تحقق حقوق بشر خود بدون وجود عنصر دسترسی نخواهد بود. برای مثال هر فرد حق آموزش و پرورش دارد اما تا زمانی که موانع فیزیکی برای دسترسی به مدارس و اماکن آموزشی وجود داشته باشد، حق آموزش وی سلب می‌شود. آن‌چنان‌که ماده ۲ کنوانسیون بیان می‌دارد، دسترسی شامل دو مؤلفه‌ی مهم از جمله «انطباق منطقی»^۲ و «طراحی جهانی»^۳

^۱Accessibility

^۲Reasonable accommodation

^۳Universal design

است که با کمک آن‌ها معنا می‌یابد. (Lord et al, 2012: 18) مطابق این ماده «انطباق منطقی» به معنای سازگار سازی و تغییرات مقتضی و ضروری است که فشار بی‌مورد و نامتناسب را از میان بردارد و حسب اقتضا، بهره‌مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین توسط افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین را تضمین نماید. «طراحی جهانی» به معنای طراحی تولیدات، محیط‌ها، برنامه‌ها و خدماتی است که تا سرحد امکان، جهت تمامی افراد، بدون نیاز به تطبیق یا طراحی ویژه قابل استفاده باشد. طراحی جهانی وسایل امدادی برای گروه‌های خاصی از افراد دارای معلولیت، نباید به گونه‌ای باشد که آن‌ها را تا آنجا که این‌گونه وسایل مورد نیاز است، از آن محروم سازد. (Convention on the Rights of Persons with Disabilities, 2006, Art(2))

از لحاظ تاریخی، استدلال کرده‌اند که دسترسی به محیط فیزیکی و حمل‌ونقل عمومی برای افراد معلول، مقدمه‌ای بر آزادی حرکت است، آن‌گونه که در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. همچنین دسترسی به اطلاعات و ارتباطات مقدمه‌ی آزادی عقیده و بیان محسوب می‌شود، همان‌گونه که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. (CRPD/C/GC/2, para 1) 2014, بند ۳ ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی حق هر شهروند را به دسترسی، بر اساس شرایط کلی برابری، نسبت به خدمات عمومی در کشور خود به رسمیت شناخته است. مفاد این ماده می‌تواند به عنوان پایه و اساسی در جهت به هم پیوستن حق دسترسی در معاهدات اصلی حقوق بشری تلقی شود. کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی در بند ۵ ماده ۱۵، حق دسترسی هر کس را به هر مکان یا خدمات عمومی تضمین می‌نماید. لذا یک رویه قضایی در چهارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر نسبت به حق دسترسی به عنوان یک حق فی‌الذات (Ibid, para 2-3) گرفته است.

در قطعنامه ۶۰/۱۳۱ مجمع عمومی مصوب ۲۶ ژانویه ۲۰۰۶، اهمیت به رسمیت شناختن دسترسی در محیط‌های فیزیکی و اطلاعات و ارتباطات را، به منظور توانمندسازی معلولان به بهره‌مندی کامل از حقوق بشر و ایفای نقشی فعال در توسعه و پیشرفت جامعه و تصریح اینکه فناوری، به ویژه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، امکانات نوینی را برای بهبود و ارتقای دسترسی و تسهیل مشارکت مؤثر و برابر آن‌ها فراهم می‌کند، مورد تأکید قرار داده است. اعلامیه و برنامه اقدام وین، اجلاس جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳) اشعار داشته که افراد معلول می‌توانند در همه‌جا باشند و باید تضمین شود که تمامی موانع معلولین، اعم از فیزیکی، مالی، اجتماعی یا روانی که آن‌ها را از مشارکت کامل در جامعه محروم می‌کند یا محدود می‌سازد، مرتفع می‌شوند تا این افراد به فرصت‌های برابر دسترسی پیدا کنند. (A/CONF/157/24, 1993, para 64-65)

بنابراین، دسترسی به عنوان عامل حیاتی برای معلولان در جهت مشارکت کامل و برابر در جامعه و بهره‌مندی مؤثر از تمامی حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی، ضروری قلمداد می‌شود. کنوانسیون حقوق معلولین دسترسی را به عنوان یکی از اصول اساسی کلیدی آن و پیش‌شرط حیاتی برای بهره‌مندی مؤثر و مساوی از حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی توسط معلولین محسوب می‌کند. دسترسی نه تنها در زمینه برابری و عدم تبعیض، بلکه به عنوان روشی برای سرمایه‌گذاری در جامعه و به عنوان قسمت جدانشدنی از دستور کار توسعه‌ی پایدار نگریده می‌شود.

۶.۲. دسترسی در ماده ۳۰ کنوانسیون افراد دارای معلولیت

دسترسی یکی از اصول کلیدی برجسته در تحقق حقوق ماده ۳۰ کنوانسیون تلقی می‌گردد. اجرای مؤثر ماده ۹ (قابلیت دسترسی) پیش‌شرط حیاتی برای مشارکت معنادار معلولین در زندگی فرهنگی است. (Schulze, 2009: 52)

کشورهای عضو باید اقدامات و مراحل کافی و لازم را در راستای دسترسی به فعالیت‌های تفریحی، فراغتی، ورزشی و مشارکت در زندگی فرهنگی معلولان اتخاذ نمایند. با توجه به اصول استاندارد برای برابری فرصت‌ها، تضمین اجرای این استانداردها و دستورالعمل‌ها برای دسترسی به تجهیزات، امکانات و خدمات فرهنگی، گردشگری، ورزشی و فعالیت‌های تفریحی دارای اهمیت حیاتی و اساسی است. تمامی تجهیزات و امکانات و خدمات جدید و مدرن باید به گونه‌ای مناسب، برای دسترسی همگان از جمله معلولان و مطابق با اصول طراحی عمومی و جهانی برای همه ساخته و سعی بر رفع تدریجی موانع در بهره‌مندی از این خدمات و امکانات باشند. (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۹، ۱۴۲-۱۴۳)

تفسیر عمومی شماره ۱۴ سال ۲۰۰۰ کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی راجع به حق برخورداری از بالاترین استانداردهای سلامتی و بهداشت (CRPD, 2000) و تفسیر عمومی شماره‌ی ۹ سال ۲۰۰۶ راجع به حق کودکان معلول (CRPD, 2006)، بر این نکته که عدم دسترسی فیزیکی به وسایل حمل‌ونقل عمومی و دیگر تجهیزات، از جمله ساختمان‌های دولتی، مناطق خرید و امکانات تفریحی، عامل اصلی حاشیه‌نشینی و محرومیت کودکان معلول و دسترسی آن‌ها به خدمات بهداشتی و آموزشی است، تأکید می‌کند. در تفسیر عمومی شماره ۱۷ سال ۲۰۱۳ توسط کمیته‌ی حقوق کودک نیز که راجع به حق کودک بر استراحت، فراغت، بازی و فعالیت‌های تفریحی و مشارکت در زندگی فرهنگی و اقسام هنرها است، این مسئله مورد اشاره قرار گرفته است. (CRPD/C/GC/2, 2014, para 6)

با توجه به مؤلفه دسترسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۷ مقرر می‌کند که «هر کس حق دارد آزادانه در زندگانی فرهنگی اجتماع شرکت جوید و از اقسام هنرها استفاده کند»؛ اما نقض حق یک ویلچرسوار به دلیل وجود پله در هنگام ورود به سالن‌های کنسرت و عدم وجود راه قابل دسترس و یا نقض حق یک نابینا به دلیل عدم وجود هیچ‌گونه علائم، شرح یا وصفی در قالب الکترونیکی یا

شنیداری و یا به صورت نوشتاری به خط بریل در موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، نقض حق یک نابینا در تماشای فیلم در سینما و نقض حق یک فرد معلول ذهنی به دلیل عدم وجود متون خوانا، قابل فهم و ساده مناسب این افراد از جمله نمونه‌های عدم دسترسی به شمار می‌روند.

دولت‌های عضو میثاق، حق هر کس بر مشارکت در زندگی فرهنگی را در ماده ۱۵ به رسمیت می‌شناسند. این ماده نیز متضمن برخورداری تمامی افراد از حق دسترسی به کلیه مؤلفه‌ها و جنبه‌های زندگی فرهنگی است. لذا کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۵ خود (ECOSOC, 1994)، به موضوع دسترسی اشاره کرده است و بیان می‌دارد به منظور تسهیل مشارکت برابر در حیات فرهنگی افراد معلول، دولت‌ها باید اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی در رابطه با ناتوانی و به طور خاص، اقداماتی در جهت برطرف کردن تعصبات و یا باورهای خرافی علیه افراد دارای معلولیت اتخاذ کنند. عموم مردم باید آموزش داده شوند که افراد معلول مانند هر فرد دیگر حق دارند از رستوران‌ها، هتل‌ها، مراکز تفریحی و مراکز فرهنگی استفاده کنند. (Schulze, 2009:113)

بدین جهت معاهده مراکش^۱ به منظور تسهیل دسترسی به منابع منتشر شده برای نابینایان و افراد دارای اختلالات بصری مصوب جون ۲۰۱۳ باید تضمین‌کننده دسترسی به کالاهای فرهنگی بدون موانع غیرمعقول یا تبعیض‌آمیز برای معلولان باشد. (Marrakesh VIP Treaty, 2013) از جمله، معلولانی که در خارج زندگی می‌کنند یا به عنوان یکی از اقلیت‌ها در کشور دیگر و یا افرادی که با زبان اشاره یا

^۱The Marrakesh Treaty was adopted on June 27, 2013 in Marrakesh and it forms part of the body of international copyright treaties administered by WIPO. It has a clear humanitarian and social development dimension and its main goal is to create a set of mandatory limitations and exceptions for the benefit of the blind, visually impaired, and otherwise print disabled (VIPs). Fifty-one countries signed the treaty as of the close of the diplomatic conference in Marrakesh. The ratification of 20 states was required for the treaty to enter into effect. The 20th ratification was received on 30 June 2016, and the treaty entered into force on 30 September 2016.

سایر وسایل ارتباطی صحبت می‌کنند و مخصوصاً آن‌هایی که با چالش دسترسی به منابع منتشر شده کلاسیک رو به رو هستند. لذا، دسترسی به فعالیت‌های تفریحی، فرهنگی و ورزشی معلولان، از جمله عوامل حیاتی جهت تحقق حق تفریح و فراغت این قشر از جامعه در راستای برابرسازی فرصت‌ها و ارتقاء رشد و شکوفایی خلاقیت‌های آنان می‌گردد.

۷. رابطه ماده ۳۰ با سایر حقوق مندرج در کنوانسیون

سایر مواد کنوانسیون نیز حقوقی را که به نوعی بر حق بر ورزش، تفریح، بازی و اوقات فراغت تأکید دارند، به رسمیت می‌شناسند؛ مانند ماده ۱۰ حق بر حیات، ماده ۲۶ حق بر توان‌بخشی و بازپروری و ماده ۲۴ حق بر آموزش که هدایت‌کننده به سوی رشد کامل شخصیت انسانی و کرامت ذاتی هستند. این نکته بیانگر آن است که حقوق مندرج در کنوانسیون در ارتباط و همسو با یکدیگر عمل می‌کنند؛ و تحقق یکی بر تحقق سایر حقوق تأثیر می‌گذارد.

۷.۱. حق حیات

ماده ۱۰ کنوانسیون معلولین بر حق حیات اشاره می‌کند. معلولیت عمیقاً با حق بر زندگی گره خورده است و اصولاً بهره‌مندی از این حق با بهره‌مندی از سایر حقوق بشر آنان مرتبط است. برای مثال اگر معلولان به مراقبت‌های بهداشتی و خدمات توان‌بخشی دسترسی نداشته باشند، حق حیات آن‌ها مورد تهدید قرار می‌گیرد. (Lord et al, 2012: 53-54) دولت‌ها باید تضمین کنند که افراد معلول فرصت کافی برای دسترسی به تمامی خدمات جامعه، از جمله خدمات فراگیر را در راستای حق حیات دارا باشند. (Kanter, 2015:65) به علاوه، در رابطه با حق‌های رفاهی، یکی از مبانی قابل‌تأمل در توجیه بهره‌مندی افراد از حداقل‌های معیشتی، بهداشتی و آموزشی، تحلیل حق حیات به عنوان حق مثبت است؛ که نیازمند

اقدامات حمایتی در تضمین حیات است. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ۴۲) از این رو، داشتن فرصتی برای تفریح و فعالیت‌های ورزشی و فراغتی می‌تواند به عنوان اقدامات حمایتی دولت‌ها در تضمین این حق به شمار رود؛ زیرا موجبات بازپروری و بازسازی جسمانی و روحی _ روانی معلولین را فراهم می‌کند. لذا دولت‌ها باید زمینه‌ی مناسب را برای ارائه‌ی فرصت‌های تفریحی معلولین در راستای تضمین حق حیات آنان، فراهم کنند.

۷.۲. حق آموزش و پرورش

حق بر آموزش در ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق معلولین، به عنوان یکی از حقوق اساسی تک‌تک افراد جامعه، با هدف ارتقای دانش و اطلاعات، به همراه توسعه‌ی مهارت‌ها، فنون و فرهنگ لازم در زندگی و اعتلا شخصیت به شمار می‌رود. یکی از طرق رسیدن به این هدف، ترویج و ترغیب تفریح و ورزش در نظام آموزشی کشورهاست؛ از طرفی ماده‌ی ۳۰ حق کودکان معلول را به بازی و به شرکت در فعالیت تفریحی، فراغتی و ورزشی در سیستم مدرسه به رسمیت می‌شناسد. (Lord and Ashley Stein, 2009:268) تفسیر عمومی شماره ۴ کمیته حقوق افراد دارای معلولیت بیان می‌کند که کشورهای عضو باید موانع را حذف و دسترسی‌پذیری و در دسترس بودن فرصت‌های همگانی برای معلولان را به منظور مشارکت بر مبنای مساوی با سایرین در بازی، تفریح و ورزش در نظام مدارس و سایر محیط‌های آموزشی ترویج کنند؛ همچنین بایستی در محیط‌های آموزشی در جهت تضمین فرصت‌های معلولین برای دسترسی به زندگی فرهنگی و توسعه و استفاده از پتانسیل اخلاقی، هنری و ذهنی آن‌ها، نه تنها برای بهره‌مندی خود، بلکه برای غنی‌سازی جامعه، اقدامات مناسب را جای دهند. (CRPD/C/GC/4, 2016, para 56)

۷.۳. حق توان‌بخشی و بازپروری^۲

کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت بدون تعریف توان‌بخشی در ماده ۲۶ به تجویز برخی از وظایف «توان‌بخشی» و «بازپروری» برای دولت‌های عضو پرداخته است. سازمان بهداشت جهانی با طرح موضوعات سه‌گانه اختلال، ناتوانی و معلولیت، تقصیر در پدیده معلولیت را از فرد به جامعه منتقل نموده تا بدین‌وسیله ضمن تأکید بر توانمندی‌های افراد معلول، مشارکت آنان را در جامعه افزایش دهد؛ و توان‌بخشی را مجموعه‌ای از اقدامات آموزشی، حرفه‌ای، اجتماعی و ... در جهت باز توانی فرد معلول، به منظور ارتقاء سطح کارایی او در بالاترین حد ممکن می‌داند. (فرجی، ۱۳۹۳: ۵) در حقیقت «توان‌بخشی» اشاره به فرایندی با هدف کمک به مردم در تحصیل برخی از مهارت‌های جدید، توانایی‌ها و دانش دارد؛ و «بازپروری» اشاره به دوباره به دست آوردن مهارت‌ها، توانایی یا دانش است که ممکن است از دست رفته یا در معرض خطر از دست رفتن، ناشی از یک ناتوانی و یا به دلیل تغییر در ناتوانی یا شرایط یک فرد باشد. توان‌بخشی و بازپروری اغلب با مسائل مرتبط با سلامتی در ارتباط و بسیاری از سیاست‌های درگیر با سلامتی را مورد خطاب قرار داده است. این دو مفهوم به عنوان یک حق برای معلولان به رسمیت شناخته شده‌اند. (Lord et al, 2012: 128) اصولاً یکی از مؤلفه‌های مرتبط با حفظ سلامتی و ارتقای سطح کارایی و مهارت‌های معلولین و به تبع آن مشارکت کامل آنان در جامعه، مشارکت در فعالیت‌های تفریحی، فراغتی و ورزشی است که تسهیل‌کننده‌ی بازپروری و توان‌بخشی جسمی و روحی معلولان تلقی می‌گردد. در ماده ۲۶ بیان شده است که دولت‌های عضو باید در جهت توانمند ساختن افراد دارای معلولیت، تدابیر مناسب و مؤثری را از جمله از طریق حمایت از هم‌تایان خود به منظور کسب و حفظ حداکثر استقلال، تمامی توانایی فنی و حرفه‌ای، جسمی، ذهنی و اجتماعی و شمولیت و مشارکت کامل معلولان در تمامی جنبه‌های

^۲Habilitation and Rehabilitation.

زندگی اتخاذ نمایند. (Convention on the Rights of Person With Disabilities, Art(26), 2006) لذا، دولت‌ها موظف‌اند تا تسهیلات و امکانات لازم برای دسترسی آنان به محیط‌های تفریحی، فرهنگی و ورزشی را جهت تحقق حق بازپروری و توان‌بخشی تسهیل و تضمین نمایند.

۸. تعهد و تضمین حق تفریح، فراغت، ورزش و مشارکت در زندگی فرهنگی

معلولین

طبق میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دولت متعهد به تضمین تحقق این حقوق برای افراد تحت صلاحیت خود است. بند ۱ ماده ۲ تمامی کشورهای عضو را به شروع اتخاذ اقداماتی به سوی بهره‌مندی کامل هرکس از تمامی حقوق بشر شناسایی شده در میثاق، با سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی و با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی بخصوص با اقدامات قانون‌گذاری متعهد می‌سازد. کمیته در نظریه‌ی عمومی شماره ۳ بیان می‌دارد که اگرچه منابع در دسترس کافی نیست اما تعهد کشورها به سعی و اهتمام در تضمین بالاترین حد ممکن از برخورداری از حقوق مرتبط تحت شرایط حاکم باقی می‌ماند. این سعی و اهتمام، از طریق اتخاذ و تصویب اقدامات قانونی اتخاذ می‌شود (ECOSOC, 1990, paras 3 and 11) در بند ۲ ماده ۲ میثاق، کشورها متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض، تضمین نمایند؛ (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966, Art 2(2)) در اینجا واژه‌ی تضمین شامل قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های داخلی در راستای تحقق حقوق ا.ا.ف قلمداد می‌شود. لذا دولت در راستای تضمین حقوق رفاهی از جمله حق فراغت و تفریح باید به تعیین، تنظیم و تصویب قوانین و مقررات مناسب و کارآمد، رعایت تعهدات و اتخاذ سیاست‌های

فراگیر و معقول اقدام کند.

در کنوانسیون حقوق معلولین نیز، مطابق قسمت (ب) بند اول ماده ۴ کنوانسیون حقوق معلولین، در سطح ملی مشابه دیگر کنوانسیون‌های حقوق بشری، کشورهای عضو به اتخاذ تمامی اقدامات مقتضی از جمله قانون‌گذاری جهت اصلاح یا نسخ قوانین موجود، مقررات، آداب‌ورسوم و روش‌هایی که شکل‌دهنده تبعیض علیه معلولان در راستای تحقق حق تفریح و فراغت آنان هستند، ملزم می‌کند. (Convention on the Rights of Person with Disabilities, 2006, Art 4(2)) اما واضح است که قوانین به تنهایی پاسخگوی نیازها در سطح ملی نیستند. اقدامات اجرایی، قضایی، سیاسی، اجتماعی و آموزشی و بسیاری اقدامات دیگر برای تضمین این حق توسط دولت‌ها ضروری است. مه‌ترین اقدام دولت در رابط با تحقق حق تفریح و فراغت معلولین، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب به منظور حضور مؤثر معلولین در فعالیت‌ها و اماکن فرهنگی و حذف کلیشه‌ها و تعصبات منفی نسبت به مشارکت فرهنگی آن‌ها در جامعه است. در بند ۱ ماده ۳۰ دولت‌های عضو، حق افراد دارای معلولیت در جهت مشارکت در زندگی فرهنگی بر مبنای برابر با سایرین را به رسمیت می‌شناسند و تمامی تدابیر مناسب را اتخاذ می‌نمایند تا برخورداری از دسترسی به مواد فرهنگی قابل دسترس، دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی، فیلم، تئاتر و سایر فعالیت‌های فرهنگی قابل دسترس، دسترسی به اماکن ویژه اجرای برنامه‌ها یا خدمات فرهنگی نظیر تئاتر، موزه، سینما، کتابخانه و خدمات گردشگری و تا سرحد امکان دسترسی به یادمان‌ها و اماکنی که از نظر ملی و فرهنگی اهمیت دارند را تضمین نمایند. (Convention on the Rights of Person with Disabilities, 2006, Art30(1)) در کنار رویکردهای دسترسی فیزیکی، رویکردهای دسترسی فرهنگی نیز در رابطه با حق تفریح و فراغت معلولین بسیار حائز اهمیت است. از این رو تحقق حقوق بنده ۵ ماده ۳۰ تا حدی زیادی منوط به بسترسازی و تحقق حق دسترسی به فرهنگ و فعالیت‌های

فرهنگی مندرج در بند ۱ این ماده است.

علاوه بر این، حق‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی همانند سایر حق‌ها و آزادی‌های انسانی، ماهیتی حق _ ادعا و مطالبه‌ای دارند. بدین ترتیب لازمه‌ی چنین حق‌هایی وجود متعهدی در مقابل آن‌هاست که علی‌القاعده چنین متعهدی دولت است. (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۲۵۴) افراد باید بتوانند به تنهایی یا با سایرین از تفریح، فراغت و فرهنگ بهره‌مند شده و در تمامی فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و فرهنگی مشارکت کنند بی‌آنکه دولت یا سایرین در این مسیر مانع‌تراشی کنند؛ مانند استفاده از موزه‌ها، فیلم‌های سینمایی، مشارکت در آداب‌ورسوم و یا فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی که متعرض سایر حقوق بشر نیستند (استاماتویولو، ۱۳۹۲: ۱۵۹) لذا، دولت در قبال حق تفریح و فراغت مانند سایر حقوق بشر سه تعهد را به همراه دارد، اول تعهد به «احترام»، دوم تعهد به «حمایت» و سوم تعهد به «ایفاء». (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۲۵۷) دولت‌ها باید در جهت تعهد به احترام از محدودیت یا دخالت در دسترسی افراد معلول به اعمال حق خود بر دسترسی به مکان‌های ورزشی و تفریحی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی خودداری نمایند. دولت‌ها باید از اجرای اعمال تبعیض‌آمیز به عنوان سیاست دولت خودداری و از تحمیل اعمال تبعیض‌آمیز مرتبط با زندگی فرهنگی مثل محدودیت در استفاده از زبان اشاره، دوری ورزش. در تعهد به حمایت نیز، دولت موظف به اتخاذ تمامی اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی مقتضی و اقداماتی در جهت تسهیل برخورداران از حقوق فرهنگی، تفریحی، ورزشی و فراغتی است. همچنین نصب پلاکاردهایی به زبان بریل، وجود راهنما و متخصص زبان اشاره و سایر اشکال حمایت مقتضی به معلولان برای تضمین حقوق آن‌ها ضروری است. در تعهد به ایفاء، دولت‌ها ملزم به اتخاذ اقداماتی در راستای اجرای کامل حقوق می‌شوند. مثلاً کشورهای عضو کنوانسیون باید آموزش مقتضی به افرادی که در سازمان‌های تفریحی، گردشگری، فراغت و فرصت‌های ورزشی درگیر هستند را تضمین کند. دولت می‌تواند یک طرح اقدام

ملی به منظور یک استراتژی جامع برای ایجاد عرصه‌های ورزشی در دسترس افراد معلول به عنوان شرکت‌کنندگان و به عنوان تماشاگران را تصویب کند (Lord et al, 2012:162) اما نکته‌ی حائز اهمیت در اینجا این است که مطابق بند ۵ کنوانسیون، دولت‌ها باید تمامی افراد را از جمله معلولین در برابر قانون یکسان دانسته و مطابق قسمت (ث) بند اول ماده ۴، تمامی تدابیر لازم جهت حذف تبعیض مبتنی بر معلولیت توسط هر فرد، سازمان یا تشکیلات شخصی را بکار گیرد. (Convention on the Rights of Person with Disabilities, 2006, Art 4(1) – Art (5)) دولت باید برخورداری و تحقق حق تفریح و فراغت را برای تمامی اقشار جامعه فراهم و اعمال و اجرا آن را بدون هیچ تبعیضی تضمین نماید.

همان‌طور که در ماده ۲۷ کنوانسیون اشاره شده است، همکاری بین‌المللی نیز باید به عنوان ابزاری مهم در راستای ترویج دسترسی و طراحی جهانی وجود داشته باشد. این همکاری در جهت استانداردسازی، به دلیل ضرورت حمایت معلولان در مشارکت در فرآیندهای ملی و بین‌المللی و در راستای توسعه، اجرا و نظارت استانداردهای دسترسی، مهم تلقی می‌گردد. (Roy, 2007, para 58) به علاوه دولت‌ها، سازمان‌ها و سازمان‌های غیردولتی، می‌بایست با تمرکز بر معلولیت و تخصیص بودجه خاص معلولان و افزایش تحقیق و بررسی داده‌های آماری مرتبط با معلولیت و نیازهای تفریحی و فراغتی آنان گام برداشته و دولت‌هایی که ممکن است در انجام این اقدامات بی‌میل یا کند باشند، در جهت تغییر وضع قانونشان یا اتخاذ دیگر مراحل دستیابی به انطباق هر چه بیشتر با کنوانسیون ترغیب شده و از این رهگذر حق تفریح و فراغت معلولان را تضمین نمایند.

۹. نتیجه‌گیری

اهداف معاهدات حقوق بشری از جمله کنوانسیون معلولین معمولاً متمرکز بر بیان حقوق منحصر به جمعیت مخاطب آن کنوانسیون است تا این اسناد منجر به

تسریع در عمل نهادهای دولتی و غیردولتی در راستای تضمین و رعایت حقوق بشر گردد. به علاوه، اسناد مزبور همچنان که حامی همه‌جانبه حقوق و آزادی‌های مشروع و مقبول تمامی افراد انسانی هستند، این رسالت را بی‌هیچ نوع تبعیض ارائه می‌دهند. معلولیت نیز از این قاعده خارج نیست و مشمول اصل عدم تبعیض و برابری در تحقق کلیه حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی جامعه می‌گردد. تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی حقی است که بهره‌مندی از آن، نیازمند برابری همه‌جانبه و اجتناب از برخی اشکال تبعیض است و توجه ویژه‌ی دولت‌ها را جهت تحقق این حق اجتماعی معلولین و عدم استثناء آنان را می‌طلبد. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مهم‌ترین گام به سوی تبیین و تحقق حقوق افراد معلول در حوزه‌ی تفریح و فراغت در سرتاسر جهان به شمار می‌رود و آن را به عنوان یک حق بشری برای معلولان به رسمیت شناخته است. در ماده ۳۰ کنوانسیون شرح مفصلی از حق تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی ارائه شده است و معلولان را مستحق برخورداری از این حق نموده و دولت‌ها را به تضمین آن تشویق و ترغیب می‌نماید. حق تفریح و فراغت تضمین‌کننده‌ی حق حیات مندرج در ماده ۱۰ کنوانسیون، تسهیل‌کننده بازپروری و ادغام فرد معلول در جامعه مطابق ماده ۲۶ و زمینه‌ساز حق آموزش هر چه بهتر وی مدرج در ماده ۲۴ تلقی می‌گردد و رابطه‌ی متقابل حق تفریح و فراغت را با سایر حقوق منعکس می‌کند. در این بین، دو عامل دسترسی (ماده ۹) و اصل اساسی عدم تبعیض، مقدمه‌ی مباحث راجع به حقوق معلولان را شکل می‌دهد. از این رو توجه فناوران به دو مقوله انطباق و طراحی جهانی در رابطه با دسترسی، از مشارکت آنان در ورزش و برنامه‌های تفریحی حمایت و عدم توجه به آن‌ها از مشارکتشان ممانعت به عمل می‌آورد. ارائه‌ی اقداماتی به عنوان تبعیض مثبت نیز موجب برخورداری معلولان از حقوقی بر مبنای مساوی با سایر افراد جامعه می‌گردد؛ به گونه‌ای که زمینه‌ساز حقوقی برابر و نه بیشتر از دیگران گردد. دولت‌های عضو باید از طریق قانون‌گذاری به تغییر و

اصلاح قوانین و مقررات خود در جهت اجرا و تضمین هر چه بهتر و مؤثرتر این حق و ادغام هر چه بیشتر معلولان در جامعه برآیند. (ماده ۴) سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نیز به منظور تضمین دسترسی مساوی معلولان به فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد بسترسازی مناسب جهت حذف کلیشه‌های منفی نسبت به حضور آنان در فعالیت‌های فراگیر، از جمله وظایف دولت در راستای تحقق حق تفریح و فراغت معلولان به شمار می‌رود؛ که در بند اول ماده ۳۰ بدان اشاره شده است. در پایان ذکر این نکته ضروری است که جامعه بین‌المللی می‌بایست به منظور حمایت بیشتر از حقوق و آزادی‌های این قشر آسیب‌پذیر، با تصویب و اجرای هر چه بیشتر اسناد مرتبط با حقوق معلولین به خصوص حق تفریح، فراغت و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی آنان، در تقویت و تحکیم مبانی التزام دولت‌ها بر حق تفریح افراد دارای معلولیت کوشش و اهتمام ورزد و ضمانت اجرای مؤثری را برای عدم ایفای آن توسط دولت‌ها در نظر گیرند.

منابع

الف. فارسی

- استاماتوپولو، السا (۱۳۹۲)، حق‌های فرهنگی در حقوق بین‌الملل، ترجمه سیدقاسم زمانی و منالسادات میرزاده، تهران: انتشارات خرسندی.
- توسلی نائینی، منوچهر؛ کاویار، میرحسین (۱۳۸۷)، «تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی»، حقوق خصوصی، ۱۳، ۵۱-۸۲.
- جان‌قربان، آزاده؛ ابوالحسنی‌زارع (۱۳۹۰)، «حمایت از حقوق انسانی معلولان در حقوق بین‌الملل»، تعالی حقوق، ۱۵، ۹۵-۱۱۱.
- جلالی‌فرهانی، مجید (۱۳۸۷)، مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰)، حمایت از معلولین در حقوق بین‌الملل، رفاه اجتماعی، ۴۱، ۳۰۷-۳۴۲.
- فرجی، محمدعلی (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی اصل عدم تبعیض بر مبنای معلولیت در حوزه اشتغال، حقوق پزشکی، ۲۹، ۱۶۷-۱۹۵.
- قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، حقوق بشر در جهان معاصر جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ دوم (ویرایش اول)، تهران: انتشارات شهر دانش.
- کاشف، میرمحمد (۱۳۹۰)، مدیریت اوقات فراغت و تفریحات سالم، تهران: مبتکران
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: انتشارات میزان.

ب. انگلیسی

- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women** (1979), UNITED NATIONS. (General Assembly),
- Convention on the Rights of Persons with Disabilities**, (2006), UNITED NATION. (General Assembly).
- Convention on the Rights of the Child**, (1989), UNITED Nations.

- (General Assembly).
- CRPD, (2014), **General Comment No. 2: Accessibility** (Article 9)
- CRPD, (2016), **General Comment No. 4: on Right to inclusive education** (Article 24).
- Declaration on the Rights of Disabled Persons** (1975), UNITED NATION. (General Assembly).
- ECOSOC, (1994), **General Comment No. 5: Persons with disabilities**
- ECOSOC, (1990), **General Comment No. 3: The nature of States parties' obligations.**
- European Social Charter (Revised), (1996), **Council of Europe**, European Treaty Series - No. 163, (1996)
- Gove, P (2002) **'Webster's Third New International Dictionary'** (Merriam Webster).
- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination(1965), **UNITED NATION**. (General Assembly).
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966), **UNITED NATION**. (General Assembly)
- International Paralympic committee(2008), **Position Statement on Human Rights.**
- Kanter, R. (2015), **The Development of Disability Rights Under International Law: From Charity to Human Rights**, First Published, LONDON, Routledge.
- Laaksonen, A. (2010), **Making culture accessible (Access participation and cultural provision in the context of cultural rights in Europe)**, Council of Europe.
- Lord, J. E. & Stein, M. A. (2009) "Social Rights and The Relational Value of the Rights to Participate in Sport, Recreation and Play," 27 **Boston University Journal of International Law**, 249.
- Lord, J., Guernsey, K., Balfe, J., Karr, V. and DeFranco, A (2012), **Human Rights. YES! Action and Advocacy on the Rights of Persons with Disabilities**, Second Edition, Publication of the University of Minnesota Human Rights Center.
- Marrakesh Treaty to Facilitate Access to Published Works for Persons Who Are Blind**(2013)., Visually Impaired, or Otherwise Print Disabled (MVT)
- Roy, E. (2007), "Aiming for Inclusive Sport: The Legal and Practical Implications of the United Nation's Disability Convention for Sport, Recreation and Leisure for People with Disabilities", **Entertainment and Sports Law Journal**, 5(1), 1-12
- Schulze, M. (2009), **understanding the un convention on the rights of persons with disabilities a handbook on the human rights of persons with disabilities**, Handicap International, Professional

Publications Unit, Catherine Dixon.

UNESCO (1978) 'International Charter on Physical Education and Sport'
,[http://www.unesco.org/education/information/nfsunesco/pdf/SPO
RT_E.PDF#search=%221978%20UNESCO%20charter%20on%
20sports%20and%20physical%20education%22](http://www.unesco.org/education/information/nfsunesco/pdf/SPO
RT_E.PDF#search=%221978%20UNESCO%20charter%20on%
20sports%20and%20physical%20education%22).

Universal Declaration of Human Rights(1948), UNITED NATIONS
(General Assembly).

United Nations Principles for Older Persons(1991), UNITED
NATION. (General Assembly).

UNITED NATIONS(General Assembly), 3 December 1982, World
Programme of Action concerning Disabled Persons, A/37/52.

World Programme of Action concerning Disabled Persons, 1982,
Available at: <http://www.independentliving.org/files/WPACDP.pdf>

UNITED NATIONS(General Assembly), 20 December 1993, **Standard
Rules on the Equalization of Opportunities for Persons with
Disabilities, A/RES/48/96.**

Vienna Declaration(1993), **World Conference on Human Rights,**
Vienna, 14 - 25 June 1993, U.N. Doc. A/CONF.157/24 (Part I) at 20
(1993).

P.G.A. Tour, Inc. v. Martin, 532 U.S. 661, 121 S. Ct. 1879 (2001).

www.merriam-webster.com/dictionary/handicap.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی